

محاكمه ی لا گواردیا

رسول پدرام: رسانه های جمهوری اسلامی ایران در اواسط ماه خرداد از اعدام برادر عبدالملک ریگی در شهر زاهدان خبر دادند. ولی روز پنجشنبه (یازدهم تیر ماه) سایت رادیو زمانه و رسانه های دیگر، با درج خبری به نقل از خبرگزاری ایسنا، نوشتند که "رئیس کل دادگستری استان سیستان و بلوچستان می گوید که متهمی که اواسط خرداد ماه جاری به نام عبدالحمید ریگی اعدام شد، برادر عبدالملک ریگی نبوده است." خواندن این موضوع مرا به یاد محاکمه ای انداخت که در تاریخ اسپانیا به "محاكمه ی لا گواردیا" معروف است. در پایان محاکمه ی مزبور هشت نفر را، بی آنکه گناهی مرتکب شده باشند، به دستور روحانیان زنده در آتش سوزاندند.

<http://www.rpedram.com>

روحانیان در اسپانیا، نه سی سال؛ بلکه دقیقاً سیصد و شصت و نه سیال در زمان اقتدار سازمان انکیزیسیون (سازمان تفتیش عقاید و یا به قول خودشان "اداره ی مقدس")، حاکم بر جان و مال مردم بوده اند و در زندگی خصوصی و اجتماعی آنان فضولی کرده اند. از غذا خوردن و خوابیدن گرفته، تا طرز لباس پوشیدن، عادت ماهانه زنان و حتی روابط زناشویی آنان.

در طول بیش از سیصد سال حکومت خوف و وحشت، سالوس بازی، خرافات، جاسوسی و سخن چینی علیه یکدیگر. روحانیان که خود را به عنوان وکیل مدافع خدا و دین او بر توده ی عوام قبولانده بودند، هزاران نفر را زنده در آتش سوزاندند.

جوانان را در ملاء عام شلاق زدند. به پسر بچه ها، زن ها و دختر ها در زندان تجاوز کردند. اموال صد ها هزار نفر (اعم از یهودی و مسلمان و حتی مسیحیان هم کیش خود را) به جرم بی دینی و بی اعتقادی مصادره کردند و آن ها را به روز سیاه نشانند. کتاب ها را سانسور و روشنفکران و کسانی را که چون آنان نمی اندیشیدند به بند کشیدند و در سپاهچال های خود در زیر شکنجه هلاک کردند.

توماس دِ ترکمادا، اولین روحانی ای بود که به مقام ریاست کل دادگاه های تفتیش عقاید و یا به عبارت دیگر، به ریاست کل دادگاه های شرع، در اسپانیا منصوب شد. نمی دانم خود او به قضا و قدر اعتقاد داشته است یا نه، چون حتی دست تقدیر هم اسمی را برای این شخص رقم زده است که بوی گوشت جزغاله از آن به مشام می رسد. زیرا در زبان اسپانیایی «کمادا» (quemada) یعنی "سوخته". البته ترکمادا نام شهری در اسپانیاست که چون اصلیت او از آن شهر بوده است، به همین جهت به "دِ ترکمادا" شهرت دارد.

خوان آنتونیو یورته (Juan Antonio Llorente) - اولین مورّخی که جرأت کرد و برای نخستین بار کتابی در نقد انکیزیسیون اسپانیا به رشته ی تحریر در آورد - می نویسد: "توماس دِ ترکمادا در مقام ریاست کل دادگاه های شرع، بیش از ده هزار نفر را زنده در آتش سوزاند و بیست و پنج هزار نفر دیگر را به مجازات های سخت رساند. خود او بر سوختن دو هزار نفر شخصاً نظارت کرده است".

کمتر غذا می خورد و از خوردن غذاهای لذیذ، پرهیز داشت. در رختخواب خشن می خوابید، لباس های ساده می پوشید، هم به خودش سخت می گرفت و هم به دیگران. به آحدی رحم نمی کرد و در توفان حوادث می دانست چگونه راهی برای رهایی خود بیابد. از پذیرفتن مقام سر اسقفی شهر سیویا (سویل) و سایر پست های مهم سر باز زد و تنها شغل سازمان دهی به تشکیلات انکیزیسیون را که تکلیفی شرعی و الهی برای خود می دانست پذیرفت. از این گذشته، این سیمت خواست ها و آرزوهایی را که او در سر و عقده هایی را که در دل داشت، بهتر بر آورده می کرد. ترکمادا بر این باور بود که پیشرفت های اجتماعی افراد غیر کاتولیک و روشنفکران، موقعیت دین خدا را در جامعه به خطر می اندازد. او در نامه ای خطاب به دربار آن موقع اسپانیا نوشته است: «... باید آن ها را از جامعه طرد کرد... و می بایست هر جا که می روند، علامتی با خود داشته باشند تا معلوم شود که مسیحی نیستند.»

نویسندگان اروپا همیشه در آثار خود از او با عنوان مردی مظهر تعصبات خشک مذهبی، خونخوار، که حتی ذره ای رحم و شفقت در وجودش دیده نمی شد، یاد کرده اند. تصویری از او که در کتابخانه ملی اسپانیا در مادرید نگهداری می شود - و شما آن را در این جا می بینید - اجزای چهره ی او را به صورت مردی بسیار جدی، با لب های به هم فشردده و نگاهی نافذ نشان می دهد. او که مردی آرام و در ضمن با معلومات به نظر می رسید، و یا لاقلاً به افراد عامی و بیسواد، خود را این چنین شناسانده بود، صومعه را برای جلوس بر مسند قضاوت، و به منظور برقراری حکومت عدل الهی بر روی زمین، ترک کرد.

یکی از محاکمات معروفی که زیر نظر شخص تُرکمادا برگزار شده است، محاکمه ای است معروف به "محاکمه ی لاگواردیا".

لاگواردیا (la Guardia) نام شهری است واقع در مرکز اسپانیا و در نزدیکی شهر تولدو (Toledo). در روز جمعه ی مقدس (روز مصلوب شدن حضرت مسیح) سال ۱۴۹۰، به اداره ی مقدس اطلاع دادند که کودکی مسیحی در این شهر ناپدید شده است. شایع شد که یهودی ها او را دزدیده اند. عده ای گفتند که ربایندگان یهودی آن کودک، پس از کشتن، قلب او را در آورده اند و با آن به جادوگری پرداخته اند. عده ای هم بر این باور بودند که یهودی ها پس از بریدن سر او، خونس را در لیوان ریخته و نوشیده اند.

توماس دِ تُرکمادا، رسیدگی به ماجرای گم شدن آن کودک را شخصاً به عهده گرفت. هشت نفر در ارتباط با ناپدید شدن آن کودک مسیحی دستگیر شدند؛ شش نفر یهودی الاصل که به زور تغییر مذهب داده و مسیحی شده بودند و دو نفر یهودی که همچنان بر دین اجدادی خود باقی بودند. محاکمه ی متهمان نزدیک به یک سال به درازا کشید. مقامات اداره ی مقدس اعلام کردند که هر هشت متهم، در جریان محاکمه، به ارتکاب اتهام وارده اعتراف کرده اند. سرانجام دادگاه شرع بر محکومیت و مجازات متهمان رأی داد که پس از صدور، آن ها را بلافاصله زنده در آتش سوزاندند. نوشته اند که خود توماس دِ تُرکمادا شخصاً بر اجرای حکم هم نظارت داشته است.

پس از اینکه، آن نگونیخت ها را سوزاندند و خاکسترشان را هم بر باد دادند، ناگهان به قول معروف «دو هزاری» مردم افتاد. آن ها از خود پرسیدند جنازه ی آن کودک که هرگز به دست نیامد، پس فضا چگونه به نحوه ی قتل پی بردند؟! وانگهی پدر و مادر این کودک چه کسانی بوده اند؟ از آن گذشته، وقتی که یک یهودی می خواهد گوشت بخورد حتماً باید رگ های گوشت را بیرون کشیده و دور انداخته باشند (گوشت کوشر) تا خونی در آن باقی نمانده باشد؛ چه رسد به اینکه بچه ای را سر ببرد و خون او را بنوشد! ولی دیگر کار از کار گذشته بود چون حکمی بود که پدران روحانی صادر کرده بودند و دیوانعالی قضایی هم آن را تأیید کرده بود. نه تنها نمی شد کاری کرد بلکه کسی هم حق نداشت که در باره ی حقانیت و درستی آن محاکمه شک و تردیدی به دل راه بدهد.



توماس دِ تُرکمادا، اولین حاکم شرع در اسپانیا حکم اعدام بیش از ده هزار نفر را صادر کرد و آن ها را زنده در آتش سوزاند
گواردیا ... نام دارد. این کتاب هم مانند بسیاری از کتاب هایی که روحانیان نوشته اند عنوانی بلند بالا دارد که تقریباً نصف روی جلد را اشغال می کند.

اکنون، پس از گذشت پانصد سال، وقتی که صفحات تاریخ آن زمان اسپانیا را ورق می زنیم، می بینیم که انجام آن محاکمه ی کذائی صحنه سازی ای بیش نبوده است و حاکمان شرع با توسل به آن فقط خواسته اند زهر چشمی از مردم بگیرند و احساسات آنان را به نفع خود، و علیه کسانی که مثل آنان نمی اندیشیدند تحریک کنند؛ که موفق هم شدند. در ضمن آن محاکمه بهانه ای شد برای زمینه سازی برای بیرون راندن یهودیان از خاک اسپانیا که یک سال بعد از آن اعدام ها و در سال ۱۴۹۲ شروع شد.

تصویر روی جلد تاریخ شهادت "طفل مقدس ..."

Tom 2º Est 3º

HISTORIA

DEL MARTIRIO

DEL SANTO NIÑO DE LA GUARDIA,

SACADA PRINCIPALMENTE DE LOS PROCESOS
CONTRA LOS REOS, DE LOS TESTIMONIOS DEL SANTO
TRIBUNAL DE LA INQUISICION, Y DE OTROS DOCUMENTOS
QUE SE GUARDAN EN EL ARCHIVO
DE LA IGLESIA PARROQUIAL DE DICHA VILLA,

POR EL DR. D. MARTIN MARTINEZ MORENO,

CURA PROPIO DE ELLA,

QUIEN LA DEDICA

AL EXCMO. SR. ARZOBISPO DE TOLEDO.

Con las licencias necesarias.

MADRID.

IMPRESA DE TEJADO, A CARGO DE R. LUDENA,
Silva, 47 y 49, bajo.

1866.